

A Comparative Study of the Concept of Pareto Optimality in Conventional and Islamic Economics

Hadi Mirzaie¹ 

1. PhD student in Financial Economics, Faculty of Economics, University of Yazd, Iran. and Faculty Member, Faculty of Economics, Bamika Institute of Higher Education, Bamyan, Afghanistan. E-mail: hadimirzaie2016@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 08/01/2025
Received in revised form: 8/2/2025
Accepted: 26/02/2025
Available online: 19/03/2025

Keywords:

Pareto optimality, Islamic economics, conventional economics, economic justice, economic efficiency, ethical optimization, welfare theory.

ABSTRACT

One of the fundamental concepts in conventional economic theories is "Pareto efficiency," which is recognized as a criterion for economic efficiency in resource allocation. This criterion is based on the principle of increasing individual utility without decreasing the utility of others and holds a special place in classical economic analyses. However, criticisms have been leveled against this criterion by justice-oriented schools of thought, especially Islamic economics. The present study, with a comparative approach, analyzes the conceptual and evaluative aspects of Pareto efficiency from the perspectives of Islamic economics and conventional economics. The research methodology in this study is descriptive-analytical, and data was collected through documentary methods using valid scientific sources. The findings indicate that while conventional economics seeks allocative efficiency within a free market framework, Islamic economics emphasizes the integration of justice, efficiency, and Sharia legitimacy. In fact, Islamic economics replaces the purely technical concept of Pareto optimality with "ethical optimization." Furthermore, an examination of modern global economic theories such as sustainable development and human well-being reveals a growing tendency towards justice-oriented models, which aligns with the foundations of Islamic economics. Consequently, a re-evaluation of the concept of economic optimization and the presentation of an integrated Islamic-human-centered model can be an effective step towards justice-oriented economic development in the contemporary world.

Cite this article: Mirzaie, H. (2025). A Comparative Study of the Concept of Pareto Optimality in Conventional and Islamic Economics, *Kateb Journal of Economics and Management*, 3 (2), 83-97.



© The Author(s).

Publisher: Kateb University.

بررسی مقایسه‌ای مفهوم بهینه پارتو در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی

هادی میرزایی 

۱. دانشجوی دوکتورای اقتصاد مالی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه یزد، ایران و کادر علمی پوهنچی اقتصاد، موسسه تحصیلات

عالی بامیکا، بامیان، افغانستان. ایمیل: hadimirzaie2016@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله تحقیقی	یکی از مفاهیم بنیادین در نظریه‌های اقتصاد متعارف، «بهینه پارتو» است که به‌عنوان معیاری برای کارایی اقتصادی در تخصیص منابع شناخته می‌شود. و در تحلیل‌های کلاسیک اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد. با این حال، انتقاداتی از سوی مکاتب عدالت‌محور، بویژه اقتصاد اسلامی، به این معیار وارد شده است. پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی، به تحلیل مفهومی و ارزشی بهینه پارتو از منظر اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف می‌پردازد. روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به شیوه اسنادی و با استفاده از منابع علمی معتبر گردآوری شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد درحالی که اقتصاد متعارف به دنبال کارایی تخصیصی در چهارچوب بازار آزاد است، اقتصاد اسلامی بر تلفیق عدالت، کارایی و مشروعیت شرعی تأکید دارد. در واقع، اقتصاد اسلامی «بهینه‌سازی اخلاقی» را جایگزین مفهوم صرفاً فنی بهینه پارتو می‌سازد. همچنین بررسی نظریه‌های نوین اقتصاد جهانی نظیر توسعه پایدار و رفاه انسانی نشان می‌دهد که گرایش به مدل‌های عدالت‌محور در حال افزایش است؛ امری که هم‌راستا با مبانی اقتصاد اسلامی است. درنتیجه، بازنگری در مفهوم بهینه‌سازی اقتصادی و ارائه الگوی تلفیقی اسلامی-انسان‌محور می‌تواند گامی مؤثر در رفاه مردم و توسعه عدالت‌محور اقتصادی در جهان معاصر باشد.
واژه‌های کلیدی: بهینه پارتو، اقتصاد اسلامی، اقتصاد متعارف، عدالت اقتصادی، کارایی اقتصادی، بهینه‌سازی اخلاقی، نظریه رفاه.	

استناد: میرزایی، هادی، (۱۴۰۳). بررسی مقایسه‌ای مفهوم بهینه پارتو در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی. *دوفصلنامه*

اقتصاد و مدیریت کاتب، ۳ (۲)، ۸۳-۹۱.



© نویسندگان.

ناشر: پوهنتون کاتب.

۱. مقدمه

ویلفردو پارتو اقتصاددانی است که نظریه‌های خود را در زمینه اقتصاد رفاه بسط داد. بهینه پارتو تعریفی از کارایی اقتصاد در تخصیص‌های گوناگونی را به دست می‌دهد که به‌عنوان پایه‌ای برای رفاه اقتصادی عمل می‌کند. از دید پارتو آن تخصیص بهینه و دارای کارایی است که نتوان با یک تولید و توزیع مجدد مطلوبیت یک یا چند نفر را بدون کاهشی در مطلوبیت دیگران افزایش داد. برعکس آن تخصیصی غیر بهینه است که مطلوبیت فردی افزایش یابد بدون آن که از مطلوبیت دیگران چیزی کم شود. پارتو بیان می‌کند که هر سیاست اقتصادی نمی‌تواند به ضرر همه افراد جامعه باشد؛ بلکه با اجرای هر سیاستی دست‌کم وضعیت بعضی افراد بهتر و بعضی دیگر بدتر شود. هرگاه افزایش مطلوبیت عضوی از جامعه بدون لطمه زدن به دیگری ممکن باشد، بهینگی پارتو وجود ندارد. یک سازمان اجتماعی بهینه پارتو است اگر نتوان هیچ تغییری به وجود آورد که به موجب آن عده‌ای از مردم بدون وارد شدن زیان به دیگران منتفع شوند. تغییراتی که یک یا بیشتر مردم را در یک گروه منتفع کند، درحالی که افراد دیگری را بی‌تفاوت بگذارد، بیانگر برتری پارتو است. بنابراین، یک تخصیص هنگامی از دید پارتو تخصیص برتر است که مطلوبیت دست‌کم یک فرد بیشتر شود بدون آن که مطلوبیت هیچ‌کس کمتر شود؛ هرچند که تخصیص مربوط از دید پارتو بهینه نباشد. در نظریه‌های اقتصادی، مفهوم «بهینه پارتو» به‌عنوان یکی از معیارهای کلیدی برای سنجش کارایی اقتصادی شناخته می‌شود (منکیو، ۲۰۲۰). این مفهوم در اقتصاد متعارف به‌عنوان معیاری از تخصیص بهینه منابع مطرح شده، اما از منظر عدالت اجتماعی و اخلاقی، گاهی مورد انتقاد قرار گرفته است. در مقابل، اقتصاد اسلامی با تکیه بر مبانی ارزشی، اخلاقی و شریعت‌محور، بهینه‌سازی را تنها در چهارچوب عدالت، انصاف و مصلحت عمومی می‌پذیرد. (چپرا، ۲۰۰۰).

ازاین منظر، وضعیت بهینه نه‌تنها باید کارآمد باشد بلکه باید عادلانه نیز باشد؛ درحالی که بهینه پارتو ممکن است تخصیص‌هایی را تأیید کند که از منظر اسلامی غیرعادلانه تلقی می‌شوند چون اقتصاد اسلامی عدالت را اصل می‌داند. درحالی که بهینه پارتو صرفاً به کارایی توجه دارد، نه به عدالت. ممکن است یک وضعیت بهینه پارتو باشد ولی در آن، ثروت در دست اقلیت بسیار کمی متمرکز شده باشد، اکثریت در فقر یا محرومیت زندگی کنند. مانند این که اگر ۹۹٪ ثروت در اختیار ۱٪ جامعه باشد و تغییری در این وضعیت باعث کاهش رفاه آن ۱٪ شود، این وضعیت از منظر پارتو ممکن است بهینه باشد؛ ولی از نگاه اسلام ناعادلانه و غیرقابل‌قبول است. با توجه به رشد ادبیات اقتصاد اسلامی و لزوم تلفیق آن با مفاهیم بنیادین اقتصاد متعارف، بررسی تطبیقی بهینه پارتو در این دو نظام فکری، می‌تواند به غنای نظریه‌پردازی در حوزه اقتصاد کمک کند. این مقاله با هدف تحلیل مفهومی، فلسفی و کاربردی بهینه پارتو از دو منظر اقتصاد اسلامی و متعارف نگاشته شده و مسئله اساسی تحقیق حاضر این است که تا چه اندازه مفهوم بهینه پارتو در اقتصاد متعارف با اصول و ارزش‌های عدالت‌محور در اقتصاد اسلامی سازگار است؟ و در ادامه فرض بر این است که مفهوم بهینه پارتو در اقتصاد متعارف، به دلیل بی‌توجهی به عدالت توزیعی و مبانی اخلاقی، با اصول عدالت‌محور اقتصاد اسلامی ناسازگار است.

۲. مفاهیم

۲-۱. مفهوم بهینه پارتو در اقتصاد متعارف

بهینه پارتو یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه رفاه اقتصادی است که برای نخستین بار توسط ویلفردو پارتو ارائه شد. (واریان، ۲۰۱۴) در اقتصاد نئوکلاسیک، بهینه پارتو در کنار مفاهیمی چون تعادل عمومی و مطلوبیت نهایی، به عنوان مبنای ارزیابی تخصیص های اقتصادی در نظر گرفته می شود. (منکیو، ۲۰۲۰) اما منتقدان این نظریه معتقدند که تمرکز صرف بر کارایی، منجر به بی توجهی به مسائل عدالت اجتماعی، نابرابری درآمد و منافع عمومی می گردد. (سن، ۱۹۹۹)

۲-۲. جایگاه عدالت و کارایی در اقتصاد اسلامی

از دیدگاه اسلام هدف اصلی فعالیت های اقتصادی تحقق عدالت، رفاه عمومی، و رضایت الهی است. (صدر، ۱۹۸۲) در این دیدگاه، مطلوبیت فردی تنها در صورتی مشروع است که در تعارض با مصالح جمعی و عدالت اجتماعی نباشد. بنابراین، یک وضعیت اقتصادی ممکن است از نظر پارتو بهینه تلقی شود، اما از نظر اقتصاد اسلامی در صورتی که نابرابری شدید یا وجود داشته، نامطلوب باشد. (چپرا، ۲۰۰۰) از منظر متفکران اسلامی مانند صدر، تقوی و چپرا، معیار بهینه سازی اقتصادی باید ترکیبی از کارایی، عدالت و موازین اخلاقی باشد. (صدیقی، ۱۹۸۱) این رویکرد برخلاف اقتصاد متعارف، بعد معنوی و ارزشی را نیز وارد تحلیل اقتصادی می کند.

۳. پیشینه تحقیق

آسوتی (۲۰۰۷) در مقاله ای با عنوان «رویکرد اقتصاد سیاسی به اقتصاد اسلامی»^۱ سعی می کند اقتصاد اسلامی را به عنوان یک نظام مستقل با اهداف عدالت محور تعریف کند. وی به صراحت تفاوت میان کارایی صرف در اقتصاد متعارف با عدالت محوری در اقتصاد اسلامی را توضیح می دهد تاکید بر بازتعریف مفاهیم اقتصاد نئوکلاسیک در پرتو ارزش های اسلامی دارد. (Asutay, 2007)

سن، در کتاب «توسعه به مثابه آزادی»^۲ از مفهوم سنتی کارایی انتقاد می کند و آن را ناکافی برای توسعه انسانی و عدالت اجتماعی می داند. وی تأکید می کند که آزادی، عدالت و انتخاب باید وارد تحلیل های اقتصادی شوند، هم راستا با اهداف اقتصاد اسلامی که فراتر از کارایی صرف می اندیشد. (Amartya Sen, 1999)

زرqa (۲۰۰۳) در مقاله ای تحت عنوان «اقتصاد اسلامی: رویکردی به رفاه انسانی»^۳، زرqa بر اهمیت عدالت، اخلاق، و توزیع منصفانه منابع در اقتصاد اسلامی تأکید می کند. او نظریه ای از بهینه سازی ارائه می دهد که عدالت و رضایت الهی را مقدم بر کارایی می داند، چهارچوبی برای تعریف «بهینه سازی اسلامی» فراتر از مطلوبیت فردی در نظر دارد. (Zarqa, 2003)

1. A Political Economy Approach to Islamic Economics

2. Development as Freedom,

3. Islamic Economics: An Approach to Human Welfare

کریمی، نرگس و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان بررسی انتقادی مفهوم کارایی اقتصادی از منظر اقتصاد اسلامی، نویسندگان نشان می‌دهند که مفهوم بهینه‌سازی در اقتصاد اسلامی، در عین پذیرش برخی اصول اقتصاد متعارف، چهارچوبی مستقل و عدالت‌محور دارد، پیوند تئوریک میان نظریه پارتو و دیدگاه اسلامی بر عدالت تأکید دارد.

حسینی، محمد (۱۴۰۰) در رساله‌ای با عنوان مفهوم بهینه‌سازی اقتصادی در فقه اقتصادی اسلامی، نویسنده تلاش کرده است مدلی تطبیقی بین اصول اقتصاد اسلامی و معیارهای بهینه‌سازی را پیشنهاد دهد. او به‌صراحت اشاره دارد که بهینه‌سازی در اسلام بدون عدالت امکان‌پذیر نیست، نظریه بومی شده در مورد تلفیق مطلوبیت با اخلاق و عدالت شرعی می‌باشد.

رضایی، فاطمه و حبیب‌الله افضلی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان کارایی و عدالت در نظام اقتصادی اسلام، تحلیل کرده‌اند که چگونه برخی وضعیت‌های کارا از دیدگاه اقتصاد متعارف، ممکن است از نظر اسلام ناعادلانه و نامشروع تلقی شوند.

۳-۱. مطالعات مقایسه‌ای پیشین

برخی مطالعات تطبیقی تلاش کرده‌اند تا امکان انطباق یا بازتعریف مفاهیم اقتصادی متعارف، از جمله بهینه پارتو، را در چهارچوب اسلامی بررسی کنند. برای نمونه، بررسی‌های «نصر ۱۹۹۱» و «عارف ۱۹۸۲» نشان می‌دهد که اقتصاد اسلامی در پی ایجاد تعادلی میان کارایی و عدالت است، و می‌توان مفاهیم کلاسیکی همچون بهینه پارتو را با رویکردهای اصلاح‌شده به کار گرفت که بهینگی پارتو زمانی حاصل می‌شود که وضعیت هیچ فردی را نتوان بهتر کرد، مگر آن که فردی دیگر را بدتر کنیم دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

۱. صرفاً کارایی (Efficiency) مدنظر است، نه عدالت.
۲. رضایت افراد (utility) فقط از دیدگاه خودشان سنجیده می‌شود.
۳. هرگونه انتقال ثروت یا منابع، اگر باعث شود حتی یک نفر متضرر شود (حتی ثروتمند)، «غیر بهینه» تلقی می‌شود.
۴. ارزش‌های اخلاقی، عدالت توزیعی، و نیازهای اولیه لحاظ نمی‌شوند.

۴. روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و به شیوه مقایسه‌ای (تطبیقی) انجام شده است. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق، کتابخانه‌ای بوده و منابع مورد استفاده شامل کتب تخصصی در حوزه اقتصاد اسلامی و متعارف، مقالات علمی-پژوهشی، و منابع معتبر دانشگاهی است. در این پژوهش، ابتدا مبانی نظری مفهوم بهینه پارتو در چارچوب اقتصاد متعارف بررسی شده است. سپس، این مفهوم با اصول و اهداف نظام اقتصادی اسلام مقایسه گردیده تا نقاط اشتراک و افتراق دو دیدگاه مشخص شود. چهارچوب نظری این تحقیق، مبتنی بر تحلیل مفهومی است. برای این منظور، سه معیار اصلی بهینه‌سازی اقتصادی در اقتصاد متعارف (کارایی، تخصیص منابع و مطلوبیت) با سه ارزش محوری در اقتصاد اسلامی (عدالت، رفاه عمومی،

و تطابق با شریعت) سنجیده شده‌اند. همچنین، از روش تحلیل محتوای کیفی برای تفسیر و استخراج اصول نظری از متون اسلامی و آثار متفکران اقتصادی بهره گرفته شده است. درنهایت، با بهره‌گیری از رهیافت تطبیقی، تلاش شده است تا امکانی برای بازتعریف مفهوم بهینه پارتو در چهارچوب اسلامی فراهم شود.

۵. نظریه‌های اقتصادی پارتو

۵-۱. نظریه عدالت بهینه

در سال‌های اخیر، برخی اقتصاددانان نئوکلاسیک و نهادگرا مانند Joseph Stiglitz و Amartya Sen نظریه‌هایی ارائه کرده‌اند که کارایی اقتصادی را در کنار عدالت اجتماعی بررسی می‌کند. آن‌ها معتقدند کارایی به تنهایی نمی‌تواند بهینه بودن یک وضعیت اقتصادی را تضمین کند؛ بلکه عدالت نیز باید معیار بهینگی باشد.

سن هم (۱۹۹۹) تأکید کرده که بسیاری از تخصیص‌های بهینه پارتو ممکن است از نظر عدالت اجتماعی کاملاً ناعادلانه باشند؛ بنابراین باید "حق انتخاب" و "آزادی" را به عنوان معیاری فراتر از مطلوبیت صرف وارد مدل‌ها کرد. اقتصاد اسلامی نیز همین نگرانی درباره بی‌عدالتی در بهینه پارتو را دارد، و تأکید بر رفاه عمومی و مصالح اجتماعی می‌تواند هم‌راستا با این نظریه‌ها دیده شود.

۵-۲. نظریه رفاه جمعی اسلامی

جدیدترین ادبیات اقتصاد اسلامی توسط نویسندگانی مانند Kamla & Alsayed توسعه داده شده است که معتقدند: رفاه در اسلام نه فقط مجموع مطلوبیت‌های فردی است، بلکه باید با اصول عدالت اجتماعی، برابری فرصت‌ها و مسؤولیت اخلاقی ترکیب شود. آن‌ها الگوهایی پیشنهاد داده‌اند که علاوه بر کارایی، **قیدهای شرعی** مانند منع ربا، وجوب زکات، و اصل «لا ضرر» را هم در سنجش بهینه‌سازی لحاظ می‌کنند (آسوتی، ۲۰۰۷).

۵-۳. مدل بهینه‌سازی اخلاقی پایدار

اخیراً در مطالعات توسعه پایدار، مانند کارهای (ساکس، ۲۰۲۰) تأکید شده است که بهینه بودن تخصیص منابع باید با حفظ ارزش‌های اخلاقی و پایداری اجتماعی همراه باشد. اگر یک وضعیت پارتویی منجر به نابرابری‌های شدید، تخریب محیط‌زیست یا تبعیض شود، نباید به عنوان بهینه واقعی تلقی شود. پیامش برای تحقیق ما این است که این دیدگاه به اقتصاد اسلامی نزدیک است، زیرا هم رفاه مادی و هم مسؤولیت‌های اخلاقی و زیست‌محیطی را توأم با یکدیگر می‌بیند.

۵-۴. نظریه سن در باره عدالت و نقد بهینه پارتو

آمارتیا سن در نظریه‌های جدید خود به شدت از بهینه پارتو انتقاد می‌کند و می‌گوید که این مفهوم، عدالت و برابری را نادیده می‌گیرد. او بر این باور است که یک وضعیت ممکن است پارتو بهینه باشد اما

به شدت ناعادلانه. (سن، ۲۰۰۹) بنابراین تأکید می‌کند که کارایی باید همراه با عدالت مورد ارزیابی قرار گیرد.

۵-۵. بهینه پارتو از دیدگاه اسلام

مؤلفه‌های یک تابع رفاه اجتماعی در اقتصاد اسلامی باید با مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی اسلام هماهنگ و استخراج از راهبردهای موجود در شرع برای رسیدن به زندگی پاکیزه و سعادت ابدی باشد. درحالی‌که رویکردهای موجود در تابع رفاه اجتماعی و به کارگیری معیار بهینه پارتو عموماً از منبع وحی الهام نگرفته و در قالب تفکر سکولاریسم جای می‌گیرند. براین اساس، نمی‌توان از تابع رفاه اجتماعی و بهینه پارتو به عنوان مؤسسه تولیدی در بازار اسلامی یادکرد. به نظر می‌رسد رهیافت‌های زیر تا حدودی بتواند در جهت دستیابی به مؤلفه‌های سعادت انسان مسلمان کمک کرد. (حکیم‌آبادی، ۱۳۹۲: ۴۸)

۱- آدمی، دو ساحت جسمانی و روحانی یا مادی و ملکوتی دارد. ساحت روحانی انسان، اصالت و هویت واقعی او را شکل می‌دهد و حیات واقعی و تدبیر بدنش را بر عهده دارد، لذا بدنی روحانی اصیل و لذا بدنی فرع است. لذت‌های روحانی با دوام‌اند و لذت‌های با دوام همان سعادت انسانی است. امتیازهای انسان در قیاس با دیگر آفریدگان، مرهون ویژگی‌های روحانی اوست که ارزش‌های معنوی و الهی از آن برمی‌خیزد. از این رو، سعادت انسان در گرو تکامل هردو بعد انسان تحلیل می‌شود.

۲- ساحت مادی انسان، می‌تواند زمینه‌ساز رشد و کمال معنوی و سعادت جاودانه او باشد. نیت‌ها و اعمال نیک و بد در زندگی فردی و اجتماعی، آهسته و پیوسته، به آدمی هویتی مثبت یا منفی می‌بخشند و او را به والاترین یا پست‌ترین جایگاه‌های هستی می‌رساند.

۳- در بینش الهی، دنیا مزرعه آخرت است و دنیا و آخرت، دو چهره یک حقیقت‌اند. این بینش به انسان یاری می‌دهد تا رفتارهای خود را افزون بر فهم واقعیت‌های زندگی دنیایی، بر پایه غایت حقیقی انسان و اعتقاد به معاد تنظیم کند؛

۴- انسان دارای حب ذات است. در تربیت توحیدی، خداوند منافع فرد را با جمع پیوند زده و فرد برای رسیدن به نفع شخصی فردی به ضرر و زیان دیگران و جامعه به شدت حساس است و آن را مورد توجه قرار می‌دهد. در این فضا رابطه فرد با فرد جامعه، به این گونه تعریف شده است که همه به منزله اندام‌های یک پیکرند؛ چو عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار.

فرد از رنج دیگران رنجور و از لذت هم‌نوع خود خوشحال می‌شود و رضایت خاطر کسب می‌کند. فرد از چنین روحیه اجتماعی برخوردار خواهد شد که رفاه و وسعت رزق را برای همه افراد جامعه آرزو می‌کند. او نه تنها از انفاق خود به دیگران، بلکه از رفع فقر از جامعه شادمان می‌شود. بازگشت منافع جامعه به منافع فردی به حدی می‌رسد که فرد حاضر می‌شود جان خویش را به خطر بیندازد و خود را فدای مصالح جامعه کند. بنابراین، در تربیت توحیدی حوزه کارکرد عقل به منافع شخصی محدود نخواهد شد. (رجایی، ۱۳۹۶: ۲۳۹)

۵-۶. معیار پارتو از دیدگاه اسلام

بر اساس معیار بهینگی پارتو از دیدگاه اسلام می‌توان هر سیاستی را پیشنهاد کرد، مشروط بر آن که این سیاست موجب بهبود وضع گروهی از مردم شود، بدون آن که وضع یک نفر بدتر گردد. اشکال این معیار در این است که محدود سیاست‌هایی ممکن است وجود داشته باشد که موجب کاهش رفاه برای کسی نشود. به لحاظ نظری هم می‌توان گفت که اولاً در میان رفتارهای اقتصادی فرد مسلمان رفتارهای یافت می‌شود که به موجب آن ممکن است وضع مادی و دنیوی او بدتر شود، ولی با نظر به مصالح اخروی، وی اقدام به انجام دادن این فعالیت‌ها می‌کند - مثلاً با توجه به آیات شریفه «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مماتحبون» فعالیت‌های اقتصادی که وضع یک واحد اقتصادی را - به‌ظاهر - بدتر می‌کند ولی رفاه و مطلوبیت برای دیگران دارد، در معیار پارتو مورد تأیید نیست، ولی با فرهنگ اسلامی سازگار است. ثانیاً اگر حاکم اسلامی تشخیص دهد که یک سیاست وضعیت اقتصادی هیچ‌کس را بدتر نمی‌کند و به لحاظ اقتصادی مفید است، اما در پی آن وضعیت اخلاقی گروهی از مردم بد و فاسد می‌شود، هرچند با معیار پارتو هم سازگار باشد آن را در جامعه اسلامی پیشنهاد نخواهد کرد. همچنین است اگر حاکم اسلامی تشخیص دهد که گرایش به برخی مشاغل از رفاه اجتماعی نمی‌کاهد، اما عزت جامعه اسلامی را تضعیف می‌کند و به‌رغم سازگاری آن با معیار پارتویی، در جامعه اسلامی تأیید نخواهد شد. این قیود بیشتر جنبه اخلاقی و حکومتی دارند، ولی در جامعه اسلامی سیاست‌های اقتصادی بدون توجه به اهداف اخلاقی و عقیدتی اجرا نمی‌شود. (انصاری، ۱۳۹۳: ۱۳۴)

۶. بحث و تحلیل یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های نظری مقاله بر اساس مطالعه تطبیقی، نقد مفاهیم و تحلیل چهارچوب‌های مفهومی بررسی می‌شود. تحلیل نشان می‌دهد که هرچند اقتصاد متعارف و اسلامی در ظاهر از مفاهیم مشابهی چون «بهینه‌سازی»، «رفاه» و «کارایی» استفاده می‌کنند، اما تفاوت‌های بنیادینی در مبانی ارزشی، اهداف نهایی و روش‌های ارزیابی دارند.

۶-۱. چارچوب نظری تحقیق

در این چهارچوب، سعی شده است سه بُعد اصلی مفهوم بهینه پارتو از منظر اقتصاد متعارف با سه بُعد کلیدی در اقتصاد اسلامی تطبیق داده شود:

مؤلفه نظری	اقتصاد متعارف	اقتصاد اسلامی
هدف نهایی	کارایی	عدالت و رضای الهی
معیار تخصیص	عدالت فردی	عدالت اجتماعی + مشروعیت فردی
مبنای ارزشی	فردگرایانه، منفعت محور	جمع‌گرایانه، اخلاق محور
وضعیت بهینه	بهبود وضعیت فردی بدون زیان به دیگران	بهبود جمعی با رعایت عدالت و اصول اخلاقی

نقش دولت	حداقلی، مداخله فقط برای شکست بازار	فعال در جهت تحقق عدالت و رفاه عمومی
نگرش به نابرابری	طبیعی، تا زمانی که کارایی حفظ شود	ناپذیرفتنی در صورت تضاد با عدالت

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۶-۲. نارسایی بهینه پارتو در پاسخ به عدالت اجتماعی

مطابق با نظریه سنتی اقتصاد متعارف، وضعیت بهینه پارتو تنها زمانی محقق می‌شود که امکان بهبود وضعیت یک فرد بدون آسیب به دیگری وجود نداشته باشد. این تعریف، از نظر منطقی دقیق ولی از نظر اخلاقی خنثی به نظر می‌رسد، همان‌طوری که سن (۱۹۹۹) و استگلیز (۲۰۱۹) تأکید می‌کنند، این مفهوم می‌تواند حتی نابرابری شدید را تأیید کند، زیرا تنها شرطش تغییر ندادن وضعیت دیگران است، نه بهبود جمعی یا عدالت.

۶-۳. دیدگاه اقتصاد اسلامی: عدالت محور و چندبعدی

در اقتصاد اسلامی، مفهوم بهینه نه تنها شامل «کارایی» است، بلکه عدالت، مشروعیت شرعی، رفاه عمومی و مسؤولیت اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین، اقتصاد اسلامی به جای «بهینه پارتو» صرف، به دنبال «وضعیت بهینه اخلاقی- اجتماعی» است. مطالعات اخیر مانند کامالا و السید (۲۰۲۰) و استای (۲۰۰۷) تأکید دارند که مفاهیم کلیدی در اقتصاد اسلامی مانند عدالت توزیعی، رفع فقر، ممنوعیت ربا و زکات باید در تحلیل بهینه‌سازی لحاظ شوند. اقتصاد اسلامی قایل به قیدهایی است که از منظر اقتصاد متعارف، خارجی تلقی می‌شوند، اما از دیدگاه اسلامی، بیگانه تلقی نمی‌شود.

۶-۴. تطبیق نظریه‌های جدید اقتصاد جهانی با رویکرد اسلامی

جالب است که در دو دهه اخیر، حتی در اقتصاد غرب نیز گرایش‌هایی شکل گرفته که خواهان بازنگری در مفهوم بهینه‌سازی صرفاً فردی هستند. مفاهیمی مانند «رفاه پایدار»، «توسعه انسانی» و «عدالت در بهینه‌سازی» نشان می‌دهند که اندیشمندان غربی هم به ناکارآمدی مفهوم سنتی بهینه پارتو پی برده‌اند. نظریه‌های سن (۱۹۹۹)، ساکس (۲۰۲۰) و استگلیز (۲۰۱۹) به وضوح خواستار اضافه کردن ارزش‌های انسانی، اخلاقی و زیست‌محیطی به تحلیل‌های اقتصادی هستند. این دقیقاً همان چیزی است که اقتصاد اسلامی از ابتدا بر آن تأکید کرده است.

۶-۵. استثمار طبقات اجتماعی با هر دو نظام سوسیالیسم و لیبرالیسم

پارتو در زمینه سیاست اقتصادی هواداران اقتصاد آزاد مطلق و اقتصاد اشتراکی را به باد انتقاد گرفت و در مقام بیان نظریه جدیدی پیرامون برگزیدگان و رهبران اجتماع برآمد، ولی توفیق چندانی برای تعریف دقیق آن نیافت. درعین حال به عقیده او، آزادی اقتصادی مطلق و اقتصاد اشتراکی، هر دو مبانی و مخالف

طبیعت بشر است و به استثمار غیرعادلانه طبقات مختلف اجتماع به دست یکدیگر خواهد انجامید. (مقدم، زیور، ۱۳۸۶: ۱۵)

۶-۶ کارایی پارتو

در یک سیستم اقتصادی، بنگاه‌های تولیدی با به کارگیری عوامل تولید و با توجه به فنون تولیدی، مبادرت به تولید کالاها و خدمات می‌کنند. آن‌گاه کالاها و خدمات تولیدشده، به وسیله مصرف‌کنندگان، مصرف‌شده و برای آن‌ها ایجاد مطلوبیت می‌کند. این بنگاه‌ها، می‌توانند ترکیب‌های متفاوت نهاده‌ها و سبدهای مختلف کالاها و خدماتی را تولید کنند که در واقع نشان‌دهنده تخصیص‌های ممکن نهاده‌ها، در تولید ستاده‌ها است. البته همه این تخصیص‌ها و همچنین هر مجموعه‌ای از کالاها و خدمات، که با ترکیبات مختلفی بین مصرف‌کنندگان توزیع می‌شوند، مناسب و کارآمد نیستند. مفهوم بهینه پارتو، در جهت تشخیص و تعیین شرایط کارآمد در بخش تولید و مصرف کالاها و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد. آن توزیعی از کالاها و خدمات را «بهینه پارتو» یا کارآمد خوانند که نتوان با توزیع مجدد کالاها و خدمات، مطلوبیت یک مصرف‌کننده را افزایش داد مگر این که حداقل منجر به کاهش مطلوبیت یک مصرف‌کننده دیگر بیانجامد. بنابراین، اگر بتوان با توزیع مجدد کالاها و خدمات، مطلوبیت یک مصرف‌کننده را بدون کاهش در مطلوبیت مصرف‌کنندگان دیگر افزایش داد هنوز به موقعیت کارآمد توزیع کالاها و خدمات یا «بهینه پارتو» در مصرف نرسیده‌ایم. با تعریفی مشابه آن‌چه در بخش مصرف ذکر شد، می‌توان شرط بهینه پارتو در تولید کالاها و خدمات را ارائه کرد. آن تخصیصی از نهاده‌ها در تولید کالاها و خدمات، بهینه پارتو است که نتوان با تخصیص مجدد نهاده، تولید یک کالا یا خدمت را افزایش داد؛ مگر این که لاقط تولید یک کالا و خدمت دیگر، کاهش یابد. بنابراین، اگر بتوان با تخصیص مجدد نهاده‌ها، تولید یک کالا یا خدمت را بدون کاهش در تولید دیگر کالاها و خدمات، افزایش داد، شرایط تخصیص کارآمد نهاده‌ها یا بهینه پارتو در تولید حاصل نشده است. (ماکسول، ۱۳۸۱: ۲۷)

۶-۷. اصل پارتو یا قانون ۲۰-۸۰

در سال ۱۹۰۶ پارتو یک فرمول ریاضی برای توصیف توزیع نابرابر ثروت در کشور خود ابداع کرد. او مشاهده کرده بود که بیست درصد مردم بیش از هشتاد درصد ثروت را در اختیاردارند. پس از این که پارتو مشاهدات خود را انجام داده و فرمول خویش را ابداع نمود، بسیاری از محققین پدیده‌های مشابهی را در زمینه تخصیص خویش موردبررسی قراردادند. پیشتاز مدیریت کیفیت، دکتر ژوزف جوران، که در سال‌های دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در آمریکا زندگی می‌کرد، یک اصل جهان‌شمول را شناسایی کرد که آن را «اندک‌های حیاتی و بسیاری‌های کم‌اهمیت» نامید و به صورت مکتوب درآورد. فقدان دقت کافی در کار اولیه‌ای که انجام داده بود باعث شد، آن را بسط نظرات اقتصادی پارتو در زمینه‌ای وسیع‌تر بدانند و نام اصل، پارتو باقی ماند. قاعده ۸۰/۲۰ بدین معنا است که در هر چیزی، میزان اندکی (۲۰ درصد) دارای اهمیت حیاتی و بسیاری (۸۰ درصد) کم‌اهمیت یا دارای اهمیت ناچیز است. در مورد پارتو این قاعده بدین معناست که ۲۰ درصد مردم ۸۰ درصد ثروت را در اختیاردارند. در کار اولیه جوران چنین بیان شده است که ۲۰ درصد نواقص باعث

۸۰ درصد مشکلات می‌شوند. به‌عنوان مثال، شاید توجه کرده باشید که ۲۰ درصد از لوازم شما، بیش از ۸۰ درصد فضای انبار خانه را اشغال می‌کنند. (فرجی، ۱۳۸۶: ۴۳۹)

۸-۶. استفاده از روانشناسی در تحلیل‌های اقتصادی

پارتو در کتاب «ذهن و عین» می‌گوید که باید پیرامون عوامل محرک فعالیت بشر، بررسی‌های بیشتر و عمیق‌تری انجام داد و تنها به نفع شخصی اکتفا نکرد. به نظر او، نباید تأثیر شهوات، اعتقادات و عادات را فراموش کرد حتی اگر انسان غالباً تأثیر و اهمیت این عوامل را در پرده استدلال و منطق ببوشاند. به همین جهت، نظریاتی که تنها جنبه منطقی و عقلایی داشته باشد، خواه‌ناخواه مصنوعی است، زیرا رفتار انسان تنها پیرو عقل و منطق نیست و عوامل محرکه دیگری نیز دارد. با این کار، وی از روانشناسی در تحلیل اقتصادی استفاده کرد و نتایج خوبی به دست آورد. (اردکانی، ۱۳۸۴: ۵)

۹-۶. تعادل عمومی همزمان توزیع و تولید

نظریه تعادل عمومی، شکل‌گیری عرضه، تقاضا و قیمت را در کل اقتصاد با در نظر گرفتن ارتباط بین بازارهای مختلف توضیح می‌دهد. برخلاف تعادل جزئی که در آن عرضه و تقاضا تنها در یک بازار بررسی و سایر عوامل ثابت در نظر گرفته می‌شود، در تعادل عمومی تمام عوامل تشکیل‌دهنده بازارهای مختلف به‌صورت درونزا مورد توجه قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، در تحلیل تعادل عمومی، قیمت و مقدار در همه بازارهای مرتبط با توجه به اثرات متقابل، تعامل‌ها و بازخوردها به‌طور همزمان تعیین می‌شوند. برای مثال، فرض کنید تقاضای مسکن افزایش یابد. افزایش تقاضای مسکن افزون بر تأثیر بر بازار مسکن بر دیگر بازارها نیز مؤثر است. از سویی افزایش تقاضا موجب افزایش قیمت کالا می‌شود و از سوی دیگر تمایل تولیدکنندگان به تولید بیشتر مسکن را به دنبال خواهد داشت. همزمان تقاضا برای مصالح ساختمانی (به‌عنوان عوامل تولید مسکن) افزایش می‌یابد. در نتیجه به‌طور معمول قیمت مصالح ساختمانی افزایش می‌یابد. همچنین با تصمیم مؤسسه‌های فعال در مصالح ساختمانی بر افزایش تولید، تقاضا برای نیروی کار افزایش می‌یابد. با افزایش تقاضا برای نیروی کار، دستمزد نیروی کار افزایش و به دنبال آن قدرت خرید نیروی کار افزایش می‌یابد. سرانجام این چرخه به کل اقتصاد سرایت می‌کند و ادامه می‌یابد. بنابراین، بهره‌گیری از تعادل عمومی برای تحلیل پیامدهای متغیرها و عوامل اقتصادی ضروری است. وجود قیمت و مقدار تعادلی در همه بازارها موضوع اصلی بحث تعادل عمومی است.

معمولاً در بسیاری از موارد تعادل عمومی در چند بازار مرتبط (نه همه بازارها) تحلیل می‌شود. در صورتی که بازاری مستقل از سایر بازارها باشد، یا ارتباط کمی با آن‌ها داشته باشد به‌صورت مستقل مورد توجه قرار می‌گیرد. (رجایی، ۱۳۹۶: ۲۳۱) در ادامه به مدل تلفیقی پرداخته می‌شود که بر اساس مطالعات اندیشمندان اسلامی، متغیرهای آن استخراج و استفاده شده است.

مدل تلفیقی پیشنهادی: بهینه‌سازی اخلاق اسلامی

مؤلفه	اقتصاد متعارف	اقتصاد اسلامی	مدل پیشنهادی
هدف	کارایی	عدالت و رفاه عمومی	عدالت کارا
معیار بهینگی	مطلوبیت فردی	رضایت الهی + مصالح جمعی	بهینه‌سازی اخلاقی و شریعت‌محور
ابزارها	بازار آزاد	دولت اسلامی، زکات، وقف، ممنوعیت ربا	تلفیق بازار با ابزارهای عدالت‌گرا
قیدها	فنی - اقتصادی	اخلاقی - شرعی	فنی + ارزشی + اجتماعی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۷-۱. جمع‌بندی

- ✓ اقتصاد متعارف بهینه‌سازی را عمدتاً از منظر فردی و سودمحور بررسی می‌کند.
 - ✓ اقتصاد اسلامی با تأکید بر عدالت و ارزش‌های اخلاقی، مدل جامع‌تری از بهینه‌سازی ارائه می‌دهد.
 - ✓ نظریه‌های جدید جهانی، مانند توسعه پایدار و توسعه انسانی، عملاً به سمت رویکردهای اقتصاد اسلامی حرکت می‌کنند.
- بنابراین، بازتعریف بهینه پارتو در چارچوب اسلامی نه تنها ممکن است، بلکه ضروری و هم‌راستا با روندهای نوین جهانی است.

۷-۲. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی تطبیقی مفهوم «بهینه پارتو» از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی انجام شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با وجود اشتراک در برخی مفاهیم ظاهری مانند کارایی، رفاه و بهینه‌سازی، تفاوت‌های ماهوی و بنیادینی میان این دو رویکرد وجود دارد که ریشه در تفاوت در مبانی ارزشی، انسان‌شناسی و اهداف اقتصادی دارد که مقایسه‌ای مفهوم بهینگی پارتو، سه معیار اصلی بهینه‌سازی اقتصادی در اقتصاد متعارف (کارایی، تخصیص منابع و مطلوبیت) با رویکرد ارزش‌محوری در اقتصاد اسلامی (عدالت، رفاه عمومی، و تطابق با شریعت) در دو نظام اسلامی و متعارف و استخراج متغیرهای اسلامی و متعارف از نظر اندیشمندان اسلام و دیدگاه کلاسیک جزء نوآوری این تحقیق به حساب می‌آید.

در اقتصاد متعارف، بهینه پارتو به‌عنوان وضعیت تخصیص منابعی تعریف می‌شود که در آن هیچ فردی را نمی‌توان در وضعیت بهتری قرار داد مگر آن که به وضعیت فرد دیگری لطمه وارد شود. این معیار اگرچه از نظر منطقی دقیق و از لحاظ تخصیص منابع در شرایط بازار آزاد کارآمد است، اما از نظر عدالت اجتماعی، اخلاق و رفاه همگانی دارای کاستی‌های جدی است. نارسایی در توجه به ابعاد توزیعی، فقدان معیارهای اخلاقی و سکولار بودن مبانی نظری، موجب شده است تا مفهوم بهینه پارتو در مواردی منجر به نابرابری

شدید و شکاف طبقاتی شود. وضعیتی که حتی برخی از اقتصاددانان برجسته غربی نیز به آن انتقاد وارد کرده‌اند.

در مقابل، اقتصاد اسلامی نگرشی کل‌نگر، عدالت محور و ارزشی به مقوله بهینه‌سازی دارد. در این دیدگاه، بهینه‌سازی صرفاً به معنای افزایش مطلوبیت فردی نیست، بلکه به دنبال تحقق عدالت اجتماعی، رضایت الهی، رعایت اصول اخلاقی و حفظ منافع عمومی است. در واقع، مفهوم بهینه در اقتصاد اسلامی در قالب «وضعیت بهینه مشروع» مطرح می‌شود که علاوه بر تخصیص بهینه منابع، توزیع عادلانه و مشروعیت فقهی نیز در آن لحاظ می‌شود.

مطالعات پیشین نیز تأیید می‌کند که مفهوم بهینه‌سازی در اقتصاد اسلامی چندبعدی بوده و در تضاد با نگاه صرفاً فردگرایانه و منفعت محور اقتصاد متعارف است. در این چهارچوب، شاخص‌های شرعی مانند عدالت در توزیع، منع ربا، وجوب زکات، و وجدان اخلاقی، جزء لاینفک ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی محسوب می‌شوند. همچنین در دهه‌های اخیر، نظریه‌های نوینی در اقتصاد جهانی از جمله توسعه پایدار، رفاه انسانی و اقتصاد رفتاری، نشان داده‌اند که گرایش به سمت مدل‌هایی که ترکیبی از کارایی، عدالت و اخلاق باشند، روبه‌روز در حال گسترش است. این امر، همگرایی جالبی با مبانی اقتصاد اسلامی ایجاد می‌کند که از دیرباز چنین الگویی را پیشنهاد داده است.

مفهوم «بهینه پارتو» در اقتصاد اسلامی نیازمند بازتعریف در چهارچوب عدالت، اخلاق و ارزش‌های دینی است.

از دیدگاه اسلامی، بهینه بودن یک وضعیت تنها زمانی پذیرفتنی است که هم کارایی در تخصیص منابع و هم عدالت در توزیع منابع و رعایت اصول شرعی در آن رعایت شده باشد. درنهایت، اقتصاد اسلامی مدل توسعه انسانی و اقتصادی منسجم‌تری ارائه می‌دهد که می‌تواند پاسخی برای چالش‌های اخلاقی و اجتماعی اقتصاد متعارف باشد.

منابع و مأخذ

۱. آرون، ریمون، (۱۳۸۶) نگاهی به نظریات پارتو، ترجمه گروه مترجمان، تهران: انتشارات خوارزمی.
۲. اصغری مقدم، سمیه، و جهانی، زیور. (۱۳۸۶). نگاهی به نظریات اقتصادی پارتو، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۲۸(۲)، ۲۵-۴۰.
۳. اصغری، محمود، (۱۳۸۰) جستاری پیرامون اقتصاد رفاه: نقد و بررسی بهینه پارتو، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱۵(۵)، ۷۵-۹۰.
۴. انصاری، محمدجعفر، و کرمی، محمد مهدی، (۱۳۹۳) درآمدی به مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی سمت.
۵. حسینی، محمد، (۱۴۰۰) مفهوم بهینه‌سازی اقتصادی در فقه اقتصادی اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم، دانشگاه مفید.
۶. حکیم‌آبادی، محمدتقی، (۱۳۹۲): اقتصاد رفاه با نگرش اسلامی، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۷. خاندوزی، سید احسان، (۱۳۸۶) معیارهای اقتصادی در قانونگذاری نوین، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۹۳، ۷۲-۵۵.
۸. رجایی، سید محمد کاظم، (۱۳۹۶) اقتصاد خرد (نگاهی به مباحث اسلامی، جلد دوم)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۹. رضایی، فاطمه، و افضلی، حبیب‌الله، (۱۴۰۱) کارایی و عدالت در نظام اقتصادی اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۲۲۱، ۸۹-۱۱۰.
۱۰. عابدی اردکانی، محمد، (۱۳۸۴). پارتو و اندیشه نخبه‌گرایی، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۱. فرجی، یوسف، (۱۳۸۶) نظریه اقتصاد خرد، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۱۲. قلی‌زاده، مهدی، (۱۳۹۳) تحلیل منحنی پارتو در بهینه‌سازی چندهدفه، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ۱۵۱، ۳۵-۵۲.
۱۳. کریمی، نرگس، سلیمی، علی، و احمدی، محمد، (۱۳۹۹) بررسی انتقادی مفهوم کارایی اقتصادی از منظر اقتصاد اسلامی، پژوهش‌نامه اقتصاد اسلامی (دانشگاه امام صادق)، ۱۸۲، ۴۵-۶۸.
۱۴. لیارد، ریچارد، (۱۳۸۷): تئوری اقتصاد خرد، ترجمه عباس شاکری، تهران، نشر نی.
۱۵. ماکسول، جان، (۱۳۸۱) تئوری اقتصاد خرد، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران، انتشارات فردا.
16. Ariff, M. (1982). *Monetary and fiscal economics of Islam*. Jeddah: International Centre for Research in Islamic Economics.
17. Asutay, M. (2007). A political economy approach to Islamic economics: Systemic understanding for an alternative economic system. *Kyoto Bulletin of Islamic Area Studies*, 1(2), 3-18.
18. Chapra, M. U. (2000). *The future of economics: An Islamic perspective*. Leicester: Islamic Foundation.
19. Kamla, R., & Alsayed, A. K. (2020). Critical perspectives on Islamic accounting and finance: Issues and future directions. *Critical Perspectives on Accounting*, 73, 102094. <https://doi.org/10.1016/j.cpa.2019.102094>

20. Mankiw, N. G. (2020). *Principles of economics* (9th ed.). Boston: Cengage Learning.
21. Nasr, S. H. (1991). *Science and civilization in Islam*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
22. Sadr, M. B. (1982). *Iqtisaduna (Our Economics)*. Tehran: Dar al-Ta'aruf.
23. Sachs, J. D. (2020). *The age of sustainable development*. New York: Columbia University Press.
24. Sen, A. (1999). *Development as freedom*. Oxford: Oxford University Press.
25. Sen, A. (2009). *The idea of justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
26. Siddiqi, M. N. (1981). *Muslim economic thinking: A survey of contemporary literature*. Leicester: Islamic Foundation.
27. Stiglitz, J. E. (2019). *People, power, and profits: Progressive capitalism for an age of discontent*. New York: W. W. Norton & Company.
28. Varian, H. R. (2014). *Intermediate microeconomics: A modern approach* (9th ed.). New York: W. W. Norton & Company.